

پاسخ تشریحی سوال های روانشناسی رشد، آزمون کارشناسی ارشد روانشناسی ۹۷، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم

پوشش ۱۰۰ درصدی سوال های روانشناسی رشد در کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم

۷۱. گزینه ۴ درست است.

آرنولد باس و رابرت پلامین، براساس پژوهش‌هایی که در زمینه خلق و خوی کودکان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که «هیجان‌پذیری» و «مردم‌آمیزی» زمینه موروثی دارد. (صفحه ۱۹۰ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۲. گزینه ۳ درست است.

آرنولد باس و رابرت پلامین، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که صفت مردم‌آمیزی، زمینه‌ی موروثی قابل ملاحظه‌ای دارد، بنابراین مفهوم لوح سفید جان لاک مبنی بر اینکه کودکان زمانی که به دنیا می‌آیند مانند لوح‌های سفیدی هستند که آموزش والدین و تجربیاتشان، روی آن‌ها حک می‌کند، به چالش کشیده شد. (صفحه ۱۹۰ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۳. گزینه ۲ درست است.

مقیاس برازلتون

مقیاس ارزیابی نوزاد NBAS: برای ارزیابی بازتاب‌ها تغییرات حالت و پاسخ‌دهی به محرک‌های فیزیکی و اجتماعی است. منحنی‌های NBAS هوش را تا سال‌های پیش‌دبستانی با موفقیت جزئی پیش‌بینی می‌کنند. (صفحه ۱۶۹ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۴. گزینه ۱ درست است.

نظام اتولوژیست‌ها (کردارشناسان)

کردارشناسی، مطالعه رفتار انسان و حیوان در بافت تکاملی آن‌هاست. در زمینه نظریه کردارشناسی جدید، داروین بیش از هرکس دیگری شناخته شده است. در دیدگاه کردارشناسان کودک از لحاظ ژنتیکی آمادگی ایجاد دلبستگی را به همراه دارد، منظور این است که نزدیک بودن به والدین شانس کودک را برای بقاء افزایش می‌دهد. لامارک بسیار اغراق آمیز عنوان می‌کند که ویژگی‌های اکتسابی از طریق توارث تکامل می‌یابد. کردارشناسان معروف عبارتند از: داروین، تین برگر، لورنز و بالبی. لورنز پدر اتولوژی نوین است. داروین و هگل معتقدند که جنین بسیاری از گونه‌ها در شکل ابتدایی خود بسیار به هم شبیه هستند. که این نشانگر وجود یک دنیای مشترک بین آنهاست. کردارشناسان به آنتوژنی فیلوژنی معتقدند.

آنتوژنی: رشد و نمود ارگانیسم به صورت منفرد صورت می‌گیرد.

فیلوژنی: تحول تکرار تاریخ تکاملی فرد است.

کردارشناسان فقط دست‌های از رفتارهای غیراکتسابی را غریزی می‌دانند و معتقدند که غریزه به وسیله یک محرک ویژه خارجی در یک دوره حساس به کار می‌افتد. آن‌ها معتقدند که غرایز ویژه گونه هستند و یک مکانیزم بازخوردی در رفتارهای ویژه گونه وجود دارد و این حرکات کلیشه‌ای به وسیله هدف تصحیح می‌شوند، البته الگوی ثابت فعالیت یک جنبه انگیزشی را هم داراست. اتولوژیست‌ها معتقدند که نقش‌پذیری والدی همیشه فرا فرد است یعنی نوزادان از گونه خاص والد نقش می‌پذیرند، نه یک والد واحد منفرد. آن‌ها عنوان می‌کنند که نقش‌پذیری یک

نوع یادگیری است که در یک مرحله حساس زندگی توسط یک تحریک خارجی شکل می‌گیرد. (صفحه ۱۰۹ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۵. گزینه ۴ درست است.

تحول پیوسته است یا ناپیوسته

- ۱- از دید **نمویافتگی**: تحول به منزله مراحل پی‌درپی و ناپیوسته جلوه‌گر می‌شود. در این دیدگاه مراحل بسیار زیادند.
- ۲- از دید **رفتاری نگران**: تحول پیوسته و تراکمی است و مشتمل است بر اکتساب فزاینده پاسخ‌های آموخته شده.
- ۳- از دید **نظریه اخبار یا پردازش اطلاعات**: تحول معمولاً پیوسته است و مشتمل است بر اکتساب ساخت‌های همواره مؤثرتر برای تحقق بهتر فعالیت‌ها.
- ۴- از دید **نظریه پردازان بافتاری اجتماعی - فرهنگی**: تحول پیوسته است و تبادل‌های بین فرد و محیط را در بر می‌گیرد.
- ۵- از دیدگاه **سازشی**: تحول دارای مراحل است که آن را ناپیوسته جلوه‌گر می‌سازد.
- ۶- از دیدگاه **روان‌پوشی**: تحول ناپیوسته است و دارای مراحل است که ممکن است فرد به مراحل آغازین، واپس‌روی کند و تعارض‌های حل نشده از خود نشان دهد. (صفحه ۱۴ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

بندورا اعتبار مراحل پیاژه را زیر سوال می‌برد. در نگاه اول، مراحل معقولانه به نظر می‌رسند، زیرا کودکان اغلب به صورت متوالی، بر موضوعات تسلط می‌یابند. اما این تنها به این دلیل است که افراد اغلب قبل از این‌که مسائل پیچیده را حل کنند، به حل مسائل ساده روی می‌آورند. در زمینه توالی مراحل پیاژه، چیز خاصی وجود ندارد و آن طور که او ادعا کرده است این مراحل مطلق نیستند. بنابراین، بندورا عنوان می‌کند که دیدگاه پیاژه در مورد رشد، اشتباه است کودکان نه از همان ابتدا بر اثر فعالیت درونی خودشان چیز یاد می‌گیرند و نه تفکر آن‌ها به صورت مراحل، دستخوش تغییرات گسترده‌ای می‌شود. (صفحه ۱۰۷ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۶. گزینه ۳ درست است.

مرحله	سن	شیوه کنار آمدن	نیرومندی بنیادی	رشد نادرست
دهانی حسی	تولد تا ۱ سالگی	اعتماد/ بی‌اعتمادی	امید	ناسازگاری حسی / کناره‌گیری
عضلانی - مقعدی	۱ تا ۳ سالگی	خودمختاری / شرم و تردید	اراده	لجبازی، بی‌شرمی / وسواس
جابه‌جایی حرکتی تناسلی	۳ تا ۵ سالگی	ابتکار/ احساس گناه	هدف	بی‌رحمی / بازداری
نهفتگی	۶ تا ۱۱ سالگی	سخت‌کوشی / حقارت	شایستگی	مهارت محدود/ رخوت
نوجوانی	۱۲ تا ۱۸ سالگی	وحدت هویت/ سردرگمی نقش	وفاداری	تحجر / انکار و تکذیب
اوان بزرگسالی	۱۸ تا ۳۵ سالگی	صمیمیت/ انزوا	عشق	بی‌عفتی / انحصاری بودن
میانسالی	۳۵ تا ۵۵ سالگی	خلاقیت / رکورد	نگرانی(مراقبت)	گسترش افراطی/ دفع کردن
پیری و بالیدگی	۵۵ سالگی	انسجام من/ ناامیدی	خردمندی	گستاخی / تحقیر کردن

(صفحه ۵۰ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۷. گزینه ۱ درست است.

هنگامی که در روابط موضوعی بی‌نظمی وجود دارد، آزرده‌گی‌هایی پدیدار می‌گردند که اشیئز آن‌ها را آزرده‌گی‌های روان - سم آگینی نامیده است مانند حالت اغمای نوزاد، قولنج سومین ماه، اگزمای کودکی و ... یعنی هنگامی که در اولین سال زندگی بر اثر محرومیت عاطفی جزئی، افسردگی اتکایی و محرومیت کامل، بیمارستان زدگی با پیش آگهی وخیم بروز می‌کند. (صفحه ۴۶ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۸. گزینه ۴ درست است.

هم‌آمیزی تقابلی

انسان‌ها بر مبنای تقارن خلق شده‌اند. ما دارای دو نیمکره مغز، دو چشم، دو دست، دو پا و چند اندام دوگانه دیگر هستیم. اعمال ما نیز نظیر هنگامی که دست و پایمان را خم یا راست می‌کنیم، کیفیتی دوگانه دارند. «هم‌آمیزی تقابلی» به فرایندی از رشد اطلاق می‌شود که از طریق آن، دو گرایش مختلف، به تدریج به نوعی سازماندهی موثر می‌رسند. مثلاً در رشد پدیده دست برتری نوزاد، ابتدا یک دست خود را به کار می‌برد، سپس هر دو را با هم به کار می‌گیرد، آنگاه دست دیگر را ترجیح می‌دهد، بعد دوباره هر دو را به کار می‌گیرد تا در نهایت می‌تواند دست مسلط خود را انتخاب کند. گزل نشان داد که هم‌آمیزی تقابلی، چگونه الگویابی بسیاری از رفتارها، از جمله رفتار دیداری، خزیدن و راه رفتن را توصیف می‌کند. گزل هم‌چنین بر این باور بود که هم‌آمیزی تقابلی، مشخصه رشد شخصیت نیز هست. در رشد شخصیت، ما شاهد یکپارچه‌سازی گرایش‌های درون‌گرایی و برون‌گرایی در انسان هستیم. (صفحه ۹۲ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۷۹. گزینه ۳ درست است.

که پیازه معتقد بود که رشد یا تحول مقدم بر یادگیری است، ویگوتسکی می‌گوید یادگیری پیش از رشد می‌آید. پیازه می‌گفت مرحله‌ای از رشد شناختی که کودک در آن قرار دارد، تعیین‌کننده ماهیت یادگیری اوست و لذا با آموزش نمی‌توان فراتر از رشد شناختی کودک، در او یادگیری ایجاد کرد. در مقابل ویگوتسکی معتقد است که فرآیندهای رشد تحول به دنبال فرآیندهای یادگیری رخ می‌دهند. ویگوتسکی نشان داده است کودکانی که به تنهایی از عهده انجام پاره‌ای تکالیف یادگیری بر نمی‌آیند، به کمک دوستان بالغ‌تر یا بزرگسالان انجام آن کارها را می‌آموزند. به عبارت دیگر منظور از منطقه تقریبی رشد تفاوت بین سطح فعلی رشد کودک و سطح رشد بالقوه اوست. بنا به تعریف منطقه تقریبی رشد به دامنه‌ای از تکالیفی که کودک به تنهایی از عهده انجام آن‌ها بر نمی‌آید اما به کمک بزرگسالان یا کودکان بالغ‌تر از خود قادر است آن‌ها را انجام دهد، گفته می‌شود. (صفحه ۱۲۲ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۰. گزینه ۲ درست است.

نظریه‌های رشد زبان

۱- دیدگاه رفتارگرا: اسکینر معتقد بود که زبان مانند هر رفتار دیگری از طریق شرطی‌سازی کنشگر یاد گرفته می‌شود. به اعتقاد رفتارگرایان تقویت و تقلید به رشد زبان کمک می‌کند. در نظریه‌های یادگیری با توجه به تأکید بر تربیت نه طبیعت، بیش‌تر به تبیین عملکرد زبان می‌پردازند تا درک زبان. این نظریه پردازان بر تأثیر مشاهده، سرمشق‌گیری و تقلید در فراگیری زبان تأکید دارند.

۲- دیدگاه فطری‌نگر (نهادگرایی): به اعتقاد چامسکی مهارت زبان کودک در ساختار مغز او حک شده است و همه‌ی کودکان با ابزار فراگیری زبان به دنیا می‌آیند. در این دیدگاه به عوامل تعیین‌کننده فطری و زیست‌شناختی زبان تأکید می‌شود و به توانایی کودک در درک زبان می‌پردازد. چامسکی معتقد بود در انسان مکانیزم مغزی ذاتی‌ای وجود دارد که به فراگیری زبان اختصاص دارد. چامسکی نام این مکانیزم را دستگاه فراگیری زبان نامیده است.

نکته: چامسکی معتقد به نظریه نهادگرایی در فراگیری زبان است.

نکته: از جمله انتقادات «چامسکی» به اسکینر در زمینه رشد زبان این است که شرطی شدن عامل نمی‌تواند پیچیدگی‌های رشد زبان را توجیه کند.

۳- دیدگاه تعامل‌گرا: توانایی‌های فطری و تأثیرات محیطی برای ایجاد دستاوردهای زبان کودکان تعامل می‌کنند. طبق این دیدگاه استعداد فطری، تأثیرات محیطی، میل زیاد به تعامل با دیگران با هم ترکیب می‌شوند تا کودک بتواند یک سیستم ارتباطی را بسازد.

۴- دیدگاه شناختی: از نظر شناختی‌ها رشد زبان بستگی دارد به استعدادهای شناختی خاص یا استعداد پردازش اطلاعات و نیز استعدادهای انگیزشی که همگی آنها فطری‌اند و معتقدند که کودکان ذاتاً فعال و سازنده هستند. در بین نظریه‌پردازان شناختی پیازه معتقد بود رشد زبان بستگی به رشد تفکر دارد و عکس آن صادق نیست. (صفحه ۱۸۳ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۱. گزینه ۱ درست است.

مرحله ۲: جهت‌گیری متمرکز بر پاداش یا لذت‌خواهی مادی (اخلاق ابزارگونه نسبی / تمایل به پاداش / فایده‌طلبی / جهت‌گیری هدف

وسيله‌ای فردگرایی و مبادله). در این مرحله فرد هم‌رنگ دیگران می‌شود تا به پاداش برسد یعنی قضاوت مبتنی بر منافع فردی است. [10] در مرحله فردگرایی^۱ و مبادله^۲ کودکان در می‌یابند که تنها یک دیدگاه درست که به وسیله صاحبان قدرت تدوین شده باشد، وجود ندارد و افراد مختلف دارای دیدگاه‌های متفاوتند. کودکان در هر دو مرحله ۱ و ۲، در مورد تنبیه صحبت می‌کنند اما برداشت آن‌ها از تنبیه متفاوت است. در مرحله ۱، در ذهن کودک، تنبیه با کار نادرست هم‌بسته است. تنبیه «اثبات می‌کند» که اطاعت نکردن کار اشتباهی است. در مقابل، در مرحله ۲ تنبیه صرفاً خطری محسوب می‌شود که فرد می‌خواهد از آن اجتناب کند.

اگرچه پاسخ دهندگان مرحله ۲ گاهی فاقد حسن مسئولیت اخلاقی به نظر می‌آیند، ولی آن‌ها از اعمال درست، نوعی برداشت خاص دارند. در آن‌ها اندیشه مبادله منصفانه^۳ یا معامله منصفانه وجود دارد. فلسفه آن‌ها حاکی از نوعی مقابله به مثل است - «اگر تو به پشت من چنگ بیندازی، من هم به تو چنگ می‌اندازم». پاسخ‌دهندگان مرحله ۲ هنوز در سطح پیش‌قراردادی استدلال می‌کنند، زیرا آن‌ها به‌عنوان افرادی منفرد و مجزا از جامعه سخن می‌گویند نه به‌عنوان اعضای از جامعه. آن‌ها افراد را می‌بینند که چیزهای مورد علاقه خود را با هم مبادله می‌کنند، ولی هنوز هیچ شناختی نسبت به ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی ندارند. (صفحه ۷۸ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۲. گزینه ۲ درست است.

ویگوتسکی متوجه شده بود که رشد درونی، همان‌طور که گزل و پیازه مطرح کرده بودند، اهمیت دارد، اما ویگوتسکی اضافه می‌کند که این نیروها به تنهایی رشد زیادی را برای کودکان به ارمغان نخواهند آورد. کودکان هم‌چنین به ابزارهایی ذهنی که به وسیله فرهنگ‌ها فراهم می‌آید، مانند زبان، کمک‌های حافظه، سیستم‌های شمارش، نوشتن و مفاهیم علمی نیاز دارند. بنابراین تکلیف اساسی نظریه رشد، درک این مسئله است که این ابزارها چگونه به دست می‌آیند. از سوی دیگر، ویگوتسکی به دلیل یکسوگیری خود مورد انتقاد قرار گرفته است. برای مثال ورش عنوان می‌کند که اگرچه ویگوتسکی گفته است ما باید تعامل بین نیروهای رشد و فرهنگی را بررسی کنیم، تحقیقات خودش به‌طور وسیع بر نیروهای فرهنگی تمرکز دارند. نکته اینجاست که ویگوتسکی خود را تنها به موضوعات آکادمیک محدود نساخت. او هم‌چنین سعی کرد کارهایی تربیتی را شکل دهد و عقاید تربیتی او، خیلی سریع مقبولیت عام یافتند. بنابراین در قلمرو کارهای او، طرح هر گونه یک‌جانبه‌نگری، ناعادلانه خواهد بود و در این مورد بهتر است نگاه دقیق‌تری به کارهای او بیندازیم. (صفحه ۱۲۳ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۳. گزینه ۲ درست است.

پیش - ساخت‌گرایی

بشر طی قرن‌ها، کودکان را به شکل مدلی کوچک شده از فرد بزرگسال، نگریسته است. فیلیپ آریه مورخ فرانسوی توضیح داده است که این طرز فکر، تا چه حد در قرون وسطی رواج داشته است. آریه هم‌چنین معتقد است که در زندگی اجتماعی دوران قرون وسطی، با کودکان نظیر بزرگسالان رفتار می‌شد. آریه معتقد بود که با کودکان کم سن و سال‌تر (کودکان کم‌تر از ۱۰ یا ۱۲ سال) به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌شد. مردم نیاز آن‌ها را به مراقبت و حفاظت می‌پذیرفتند. اما در کل، به ویژگی‌های خاص کودکان بی‌اعتنا بودند. از این گذشته، سایر منابع نشان داده‌اند که تصویری از کودکان که آریه بر آن تاکید دارد، یعنی کودک به‌عنوان بزرگسالی کوچک، در طول تاریخ رواج داشته است. این تصویر، احتمالاً در نظریه‌های پیش - ساخت‌گرایانه در زمینه روان‌شناسی بیش‌ترین نمود را داشته است. بسیاری از دانشمندان قرن‌ها بر این باور بودند که در هنگام لقاح، یک انسان کوچک و کاملاً شکل گرفته یا یک آدمک، در اسپرم یا تخمک وجود دارد. تا قرن هجدهم بیش‌تر دانشمندان به دیدگاه‌های پیش - ساخت‌گرایانه اعتقاد داشته‌اند. در قرن بعد از کاوش‌های میکروسکوپی که نشان داد رویان به حالتی تدریجی و تسلسلی رشد می‌کند،

۱. Individualism

۲. Exchange

۳. Fair exchange

پیش - ساخت‌گرایی در رویان‌شناسی کنار گذاشته شد. پیش - ساخت‌گرایی، در تفکر اجتماعی اروپا در اوایل قرن و همگام با تحولاتی که در حرف و مشاغل صورت گرفت، سیر نزولی پیمود. (صفحه ۲۳ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۴. گزینه ۳ درست است.

هویت جنسی

تصوری که از خودمان به صورت فردی که ویژگی‌های مردانه یا زنانه دارد، هویت جنسی نام دارد. کسانی که در جاه طلبی، خودبسندگی و نیرومندی نمرات بالا کسب می‌کنند و در گشاده‌رویی و عاطفه نمرات کم، واجد ویژگی مردانه هستند و بالعکس.

دوجنسیتی (آندروژنی)

فردی که هم ویژگی‌های مردانه و هم ویژگی‌های زنانه دارد. این فرد از لحاظ رفتاری سازش‌پذیر است. (صفحه ۲۰۱ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۵. گزینه ۱ درست است.

• هوش متبلور و سیال

هوش متبلور به مهارت‌هایی اشاره دارد که به آگاهی و تجربه انباشته، قضاوت درست و تسلط بر آداب اجتماعی وابسته هستند. در آزمون‌های هوش، مواد مربوط به واژگان، اطلاعات عمومی، قیاس کلامی و استدلال منطقی هوش متبلور را اندازه می‌گیرند. هوش متبلور تحت تأثیر فرهنگ فرد قرار دارد. هوش سیال به مهارت‌های پردازش اطلاعات متکی است. هوش سیال برای کمک به استدلال کارآمد، انتزاع و مساله‌گشایی معمولاً با هوش متبلور همکاری می‌کند. هوش سیال کم‌تر تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد. مواد آزمون هوش که هوش سیال را نشان می‌دهند عبارتند از: سری اعداد، تجسم فضایی، ماتریس‌های شکلی و سری تصاویر. هوش متبلور تا اواخر بزرگسالی (پیری) افزایش می‌یابد در حالی که هوش سیال در اواخر تا سالگی یا اوایل سالگی رو به کاهش می‌رود. میانسالی دوره اوج عملکرد در برخی از توانایی‌های عقلانی بسیار پیچیده است. افراد میانسال برخلاف پندارهای قالبی از لحاظ عقلانی در بهار زندگی هستند نه در اوج پیری. (صفحه ۲۵۸ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۶. گزینه ۴ درست است.

مبتلابان به این اختلال تخریب شدید و پایدار در تعامل اجتماعی و الگوهای تکراری در رفتار، علائق و فعالیت‌ها نشان می‌دهند. برخلاف اختلال اوتیستیک، در اختلال آسپرگر، تاخیر قابل ملاحظه‌ای در زبان، رشد شناختی یا مهارت‌های خود یاری متناسب با سن وجود ندارد. (صفحه ۳۶۰ کتاب جامع روانشناسی مرضی پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۷. گزینه ۳ درست است.

خود میان بینی دوره سوم تحول (دوره انتزاعی)

با گسترش جدیدی که تحت تأثیر فراهم شدن فکر صوری در جهان کودک به وقوع می‌پیوندد، شکل سومی از خودمیان‌بینی متجلی می‌گردد و دقیقاً یکی از ویژگی‌های تقریباً پایدار نوجوانی را تا میان‌واگرایی جدید بعدی که بر اثر واقعیات آغازین کار بزرگسالانه امکان پذیر می‌گردند، تشکیل می‌دهد که نتیجه اجتناب ناپذیر ورود نوجوان در زندگی اجتماعی بزرگسالان است. نوجوان فقط در جستجوی سازش دادن «من» خویش با محیط اجتماعی نیست بلکه به همان اندازه مایل به سازش دادن محیط با من خویش است. خودمیان بینی خاص نوجوانی را می‌توان نوعی از اعتقاد به رستاخیز دانست. یعنی نظریه‌هایی که نوجوان بر اساس آن‌ها جهان را مجسم می‌کند، بر فعالیت‌های اصلاح‌گران‌های مبتنی هستند که نوجوان احساس می‌کند که باید مجری آن‌ها باشد.

خود میان بینی حاصل عدم تمایزی است که از تعدد دیدگاه‌ها و منظرها غافل است، در حالی که عینیت مستلزم ایجاد تمایز بین دیدگاه‌های مختلف و ایجاد هماهنگی در آنهاست. گسترش بینهایت تفکر که به دلیل ظهور ابزار جدید یعنی منطق قضایا، امکان پذیر گشته است در وهله نخست به عدم تمایز بین این توانایی تازه و غیر قابل پیش بینی که من در خود کشف کرده است و جهانی اجتماعی یا جهان کلی که موضوع این تفکر است، منجر می‌گردد. برای وارسی چنین تفسیری از خود میان بینی وسیله‌ای وجود دارد و آن بررسی فرآیند میان‌واگرایی است که به نوجوان اجازه می‌دهد از این بی تمایزی نسبی نخستین بگریزد و از این بحران آرمانی‌نگری شفا یابد و دوباره به واقعیت باز گردد. فرآیندی که او

را از نوجوانی به آغاز واقعی حالت بزرگسالی می‌رساند. این میان واگرایی همانند آنچه در سطح عملیات عینی به وقوع می‌پیوندد، به صورت همزمان در سطح اجتماعی و در سطح فکری تحقق می‌پذیرد. زندگی اجتماعی مسلمان سرچشمه میان واگرایی عقلی است و به جنبه اخلاقی تنها محدود نمی‌گردد. اما مسئله اساسی از نظر میان واگرایی، آغاز کار به معنای دقیق کلمه است. در به انجام رساندن یک وظیفه واقعی است که نوجوان بزرگسال می‌شود و از هیات مصلح آرمانی نگر به جامعه یک فرد تحقق دهنده، آراسته می‌گردد. (صفحه ۶۸ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۸. گزینه ۴ درست است.

تقرب جویی فعال (مرحله وابستگی مشخص) (۶ ماهگی تا ۳ سالگی)

از هفت ماهگی که کودک شروع به خزیدن می‌کند، سعی می‌کند که همواره در کنار مادر باشد. کودکان سه ساله به ندرت بیش از متر از مادران خود دور می‌شوند. در این مرحله شاهد اضطراب جدایی و ترس از غریبه‌ها هستیم. زمانی که کودکان بتوانند فعالانه والد را دنبال کنند، رفتار آن‌ها کم کم در یک نظام مبتنی بر تصحیح هدف، تثبیت می‌شود. یعنی کودکان محل و مکان والد را زیر نظر می‌گیرند و اگر مادر آن‌ها را ترک کند، بلافاصله او را تعقیب و حرکت خود را «تصحیح» یا «تنظیم» می‌کنند تا زمانی که بتوانند بار دیگر به مادر نزدیک شوند. وقتی به مادر نزدیک می‌شوند، دستان خود را به سمت او داز می‌کنند و نشان می‌دهند که می‌خواهند آن‌ها را بغل کنند. پس از این که مادر آنان را در آغوش گرفت، بار دیگر آرامش خود را به دست می‌آورند. از دیدگاه بالبی، نظام دلبستگی در سطوح گوناگونی از برانگیختگی عمل می‌کند، گاه کودک نیاز شدیدی به ماندن در کنار مادر دارد و گاه اصلاً چنین نیازی پیدا نمی‌کند. هنگامی که کودکان نوپا مادر را به عنوان پایگاهی امن برای کاوش‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند، سطح فعال شدن آن‌ها نسبتاً پایین است. (صفحه ۱۱۳ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۸۹. گزینه ۲ درست است.

در جریان شکل‌گیری مراحل تحول در نظام والن، گرایش مرکز گریز یا شناختی و گرایش مرکز گرا یا عاطفی متناوباً جانشین یکدیگر می‌شوند بی‌آنکه این گسستگی، پیوستگی و یا وحدت شخصیت را خلل‌پذیر سازد. برای والن مرحله یک لحظه یا وهله از گستره روانی و به معنای قراردادی نیست. مرحله دارای مفهومی دیالکتیکی است و یک فرآیند تعارض و گشایش می‌باشد. تمایزها سرانجام به توحید می‌گریند و در چهارچوب آن‌ها تسلط یا غلبه یک کنش، معنا و مفهوم مرحله را مشخص می‌کند. مرحله در نظام والن با پایان یافتن یک مرحله قبلی آغاز نمی‌شود بلکه ریشه آن در مرحله قبلی و استتاله (دنباله) آن هنوز در مرحله بعدی مشهود است. (صفحه ۹۴ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

۹۰. گزینه ۱ درست است.

اختلال شخصیتی مرزی - بیمار غالباً دست به خودکشی می‌زند و از خود بی‌زاری و دلبستگی شدید و دو سوگرا از خود نشان می‌دهد. (صفحه ۲۷۶ کتاب جامع روانشناسی مرضی پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

الگوهای دلبستگی

در مطالعه بالتیمور، اینزورث و دانشجویانش، کودکان و مادرانشان را در سال اول زندگی، هر سه هفته یکبار به مدت چهار ساعت در خانه آن‌ها مورد مشاهده قرار دادند. هنگامی که نوزادان ماهه شدند، اینزورث خواست ببیند که رفتار آن‌ها در یک موقعیت جدید چگونه است، از این رو کودکان و مادرانشان را به یک اتاق بازی در دانشگاه جان هاپکینز آورد. او به ویژه علاقه‌مند بود ببیند که کودکان مادرانشان را چگونه به عنوان پایگاهی برای کاوش محیط مورد استفاده قرار می‌دهند و واکنش آن‌ها به دوبار جدایی کوتاه مدت از مادرانشان، چگونه است. در نخستین مرحله جدایی، کودک با یک فرد غریبه (یک زن مهربان که خود دانشجوی کارشناسی ارشد بود) تنها گذاشته می‌شد، در دومین مرحله، کودک به تنهایی در اتاق می‌ماند. هر مرحله جدایی، دقیقه به طول می‌انجامید، ولی در صورتی که کودک ناراحتی شدیدی نشان می‌داد، مدت جدایی، کوتاه‌تر می‌شد. کل این فرایند را که دقیقه به طول می‌انجامید، «موقعیت ناآشنا» یا «وضعیت غریب» نام نهادند. اینزورث و همکارانش سه الگو را مشاهده کردند:

۱- نوزادان با دلبستگی ایمن. این کودکان پس از ورود مادرانشان به اتاق بازی، خیلی زود مادر را به عنوان پایگاهی برای کاوش مورد استفاده قرار دادند. اما هنگامی که مادر اتاق را ترک کرد، بازی اکتشافی آن‌ها کاهش یافت و گاهی آشکارا آشفته شدند. هنگامی که مادر برمی‌گشت نیز

فعالانه از او استقبال می‌کردند و یکی دو دقیقه نزدیک او باقی می‌ماندند و هنگامی که از بودن او مطمئن می‌شدند، بار دیگر، مشتاقانه به کشف محیط اقدام می‌کردند. اینزورث بر این باور بود که این نوزادان، الگوی سالم از رفتار دلبستگی را نشان می‌دهند. همواره پاسخ‌دهنده بودن مادر به این کودکان، در آن‌ها این اعتقاد را ایجاد کرده بود که مادر حامی آن‌هاست.

۲- نوزادان نایمن - اجتنایی : این نوزادان، در موقعیت ناآشنا، کاملاً مستقل به نظر می‌رسیدند. آن‌ها به محض ورود به اتاق؛ به سمت اسباب‌بازی‌ها می‌رفتند. اگرچه به کاوش محیط می‌پرداختند اما مادر را به عنوان پایگاهی امن - به این معنا که به تناوب از حضور او مطمئن شوند - مورد استفاده قرار نمی‌دادند، بلکه خیلی راحت، مادر را فراموش می‌کردند. هنگامی که مادر اتاق را ترک می‌کرد، پریشان نمی‌شدند و وقتی برمی‌گشت، درصدد نزدیک شدن به او بر نمی‌آمدند. اگر مادر سعی می‌کرد آن‌ها را در آغوش بگیرد، با پس کشیدن خود، از او اجتناب می‌کردند.

مشاهده وضعیت کودکان در خانه‌هایشان، حدس اینزورث را در این مورد که مشکلی وجود دارد، تایید کرد. مادران آن‌ها به عنوان افرادی نسبتاً بی‌توجه، مداخله‌کننده و طردکننده درجه‌بندی شده بودند و کودکان، اغلب نایمن به نظر می‌رسیدند. اگرچه برخی از این نوزادان در منزل بسیار مستقل بودند، بسیاری نیز نگران حضور مادر بودند و هنگامی که وی اتاق را ترک می‌کرد، به شدت گریه می‌کردند. بالبی تصور می‌کرد این رفتار دفاعی ممکن است به یک بخش تثبیت شده و فراگیر شخصیت تبدیل شود. کودک، بزرگسالی می‌شود که بیش از حد، متکی به خود و غیر وابسته است، شخصی که هرگز از بدگمانی دست بر نمی‌دارد و به دیگران آن‌قدر اعتماد نمی‌کند که بتواند روابطی صمیمانه با آن‌ها برقرار کند.

۳- نوزادان نایمن دوسوگرا : در موقعیت ناآشنا، این نوزادان چنان نگران حضور ما بودند و به او چسبیده بودند که اصلاً به کاوش در محیط اطراف خود نمی‌پرداختند. هنگامی که مادر اتاق را ترک می‌کرد، بسیار آشفته می‌شدند و هنگام برگشت مادر، آشکارا رفتاری دو سویه با او در پیش می‌گرفتند لحظاتی به او نزدیک می‌شدند و لحظاتی بعد او با خشم از خود می‌رانند.

در خانه، این مادران معمولاً با نوزادان خود، به شیوه‌ای متناقض رفتار می‌کردند. در برخی موقعیت‌ها صمیمی و پاسخ‌دهنده بودند و در موقعیت‌های دیگر رفتار مغایر با آن داشتند. این تناقض، ظاهراً کودکان را از حضور مادرشان، هنگامی که به او نیاز پیدا می‌کردند، نامطمئن می‌ساخت. الگوی دو سوگرا را گاه مقاومت نیز نامیده‌اند، زیرا کودکان نه تنها با نومی‌درصدد برقرار کردن تماس با مادر بودند، بلکه در برابر آن مقاومت نیز می‌کردند.

مطالعات پیگیری: تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند که کودکان که در موقعیت نا آشنا تحت عنوان «دلبستگی ایمن» طبقه‌بندی شده‌اند، تفاوت رفتاری آنان با سایر کودکان، تا سن ۱۵ سالگی ادامه خواهد داشت. اینزورث گزارش کرده است که دلبستگی ایمن، محصول حساسیت مادرانه به علایم و نیازهای کودک است.

(صفحه ۱۱۵ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)

خاطرات دلبستگی کودکی پیش‌بین قدرتمندی برای روابط عاشقانه در بزرگسالی است. مطابق نتایج تحقیقات بزرگسالانی که دلبستگی ایمنی داشتند، مهمترین رابطه عشقی خود را برحسب اعتماد، خشنودی و دوستی توصیف کردند. بزرگسالانی که دلبستگی دوری‌جو داشتند، حسادت، فاصله عاطفی و عدم پذیرش بر روابط عاشقانه آن‌ها حاکم بود. بزرگسالانی که دلبستگی مقاوم داشتند، مهم‌ترین رابطه عشقی آن‌ها مملو از حسادت، افت و خیزهای هیجانی و ناامیدی در این باره بود که آیا همسرشان به محبت آن‌ها پاسخ خواهد داد. (صفحه ۲۴۹ کتاب جامع روانشناسی رشد پارسه، تالیف فاطمه صفرزاده مقدم)